



آوریل سال ۱۹۸۴ میلادی، دکتر «رابرت گالو» برای اختراعی که داشت (ویروس اچ‌آی‌وی) یک پرونده حق ثبت اختراع را در ایالات متحده آمریکا ایجاد کرد. معمولاً وقتی یک پتنت یا همان حق ثبت اختراع بایگانی و تایید می‌شود، مانند کاری که دکتر گالو کرد، اگر کسی بخواهد از آن محصول یا اختراع برای مقاصد خود استفاده کند، باید در ازای آن به مالک اختراع، هزینه‌ای را بابت استفاده بپردازد. بنابراین برای یک اختراع و پتنت مربوط به آن، قوانین مفصلی تفسیر شده‌اند اما چیزی که باعث تعجب می‌شود این است که چرا دکتر گالو هنوز هم برای جبران خسارت‌های ناشی از استفاده نادرست از اختراعش، پرونده‌ای را ایجاد نکرده و طرح دعوی خود را به دادگاه ارائه نکرده است؟ این نظریه کمی عجیب و غریب به نظر می‌رسد و برای پی بردن به صحت آن باید به طور دقیق به بررسی پرداخت.

شواهد علمی و قانع‌کننده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد ویروس اچ‌آی‌وی نتیجه یک طرح دومیصولی از برنامه ویروس ویژه ایالات متحده بوده است. برنامه ویروس ویژه یک برنامه ویروسی توسعه یافته توسط دولت فدرال بوده است که در ایالات متحده از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ در جریان بوده است. ویروس ویژه سپس به عنوان واکسن در آفریقا و منهنٔ مورد استفاده قرار گرفته است. مدت کوتاهی پس از این موضوع، جهان با یک عفونت ناشی از یک ترروویروس انسانی روبه‌رو شد که با هر بیماری شناخته شده انسانی دیگری متفاوت بود.

مدارک نشان می‌دهد ایالات متحده به دنبال ساخت یک ذره ویروسی بوده است که روی سیستم دفاعی بدن تاثیر منفی می‌گذارد و این دقیقاً همان کاری است که ویروس اچ‌آی‌وی انجام می‌دهد. این برنامه با ایجاد تغییراتی در ژنوم ویروس ویسنا (Visna) پیگیری شده است. با توجه به مقالات و گزارشاتی که در ایالات متحده منتشر شده است، ویروس اچ‌آی‌وی تکامل و تغییر یافته ویروس خاص ویسناست. بتازگی دانشمندان با اطمینان ۱۰۰ درصد اعلام کرده‌اند پیدایش ایدز به آزمایشگاه بازمی‌گردد و ویروس اچ‌آی‌وی یک ویروس ساخته بشر است. این موضوع هنگامی رنگ واقعیت بیشتری به خود می‌گیرد که مقاله‌ای مربوط به رابرت گالو در رابطه با ویروسی ویژه دیده می‌شود که این مقاله مربوط به سال ۱۹۷۱ است.

مقاله سال ۱۹۷۱ رابرت گالو دقیقاً مشابه اطلاعاتی در سال ۱۹۸۴ است، هنگامی که وی کشف ویروس اچ‌آی‌وی به عنوان عامل بیماری ایدز را اعلام کرد. پس از بررسی مدارک روشن می‌شود رابرت گالو حق اختراع خود در بیماری ایدز را پیش از اینکه به همراه «مارگارت هکлер» (وزیر وقت بهداشت ایالات متحده) معرفی کند، به ثبت رسانده است.

موارد فاش شده از برنامه مخفی ایالات متحده و همچنین ۱۵ گزارش پیشرفت فاش شده از این برنامه، شواهد انکارناپذیری است که نشان می‌دهد ایالات متحده با طرحی مخفی به دنبال کاهش جمعیت بشریت بوده است. ایالات متحده در قالب این پروژه به دنبال ساخت ویروسی ویژه برای از بین بردن گروهی از انسان‌ها بوده است. بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ میلادی، مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به پروژه مخفی ویروس فدرال اختصاص داده شده که نتیجه آن خلق ویروسی به نام اچ‌آی‌وی بوده است.

دکتر «بوید گریوز» که سال‌ها عمر خود را صرف بررسی علمی و دقیق ویروس ایدز و نحوه به وجود آمدن آن کرده است و کتاب‌های مختلفی را در این زمینه نوشته است، بیان می‌کند پروژه ویروس ویژه ایالات متحده ۱۵ گزارش پیشرفت

سالانه را منتشر کرده است که جزئیات پیشرفت دستکاری ویروس‌های حیوانی برای آلوده کردن میزبان‌های انسانی را نشان می‌دهد. هر گزارش جزئیات پیشرفت و توسعه ویروس ویژه تحت نظر دانشمندانی چون دکتر رابرت گالو و دکتر دیویزبرگ را نشان می‌دهد. سال ۱۹۹۹ در کشور کانادا دکتر بوید گریوز برای نخستین بار فلوچارت پروژه ویروس ویژه ایالات متحده را به نمایش می‌گذارد.

گزارش‌های پیشرفت پروژه ویروس ویژه ایالات متحده ۱۵ سال تاریخچه پزشکی و علمی مفقودشده را نشان می‌دهد. در حالی که شاید بتوان گزارش‌های پروژه ویروس ویژه ایالات متحده را در فهرست پایسگاه داده جهانی یافت اما پیدا کردن گزارش‌های اصلی حتی برای یک محقق حرفه‌ای نیز موقعیتی چالش‌برانگیز است! دکتر گریوز بیان می‌کند چندین کیبی از گزارش‌های پیشرفت پروژه ویروس ویژه ایالات متحده را از قفسه‌های کتابخانه دانشگاه علوم بازیابی کرده است. اگرچه ۶ گزارش مفقود باقی مانده است و تعدادی از ۹ گزارش شناخته شده که باید در آرشیو موسسه ملی سرطان وجود داشته باشد، بتازگی از قفسه‌های دولت نابدید شده‌اند! دکتر گریوز بیان می‌کند همه این اسناد که اسکن شده از اسناد واقعی دولت هستند، داستان توسعه ویروس اچ‌آی‌وی را به طور کامل روایت می‌کنند.

برای بررسی تاریخچه حقیقی ویروس ایدز باید به سال ۱۸۷۸ برویم، هنگامی که در تاریخ ۲۹ آوریل این سال میلادی ایالات متحده قانون قرنطینه فدرال را تصویب کرد. پس از آن ایالات متحده تلاش قابل توجهی را برای بررسی علل بیماری‌های واگیر آغاز کرد. سال ۱۸۸۷ با دستور آزمایشگاه بهداشت (این آزمایشگاه توسط دکتر «ژوزف کینیون» که یک نژادپرست واقعی بود اداره می‌شد) ایالات متحده، این تلاش تقویت شد.

۲ سال بعد (سال ۱۸۸۹) ایالات متحده مایکوپلاسما را به عنوان یک عامل انتقال شناسایی کرد.

۳ سال ۱۸۹۳ قانون قرنطینه فدرال تقویت شد و ناگهان یک انفجار بیماری فلج اطفال رخ داد. ۳ سال ۱۸۹۸ آنها دریافتند می‌توان از مایکوپلاسما برای ایجاد همه‌گیری‌ها استفاده کرد (می‌توانستند این کار را در گاو انجام دهند و در گیاه تنباکو نیز آن را مشاهده کرده بودند).

۳ سال ۱۸۹۹ کنگره ایالات متحده بررسی جذام در ایالات متحده را آغاز کرد.

۳ سال ۱۹۰۲ یک مرکز تکامل تجربی سازمان داده شد و با استفاده از آن می‌توانستند بیماری‌های یک طبیعت نژادی را شناسایی کنند. ۳ سال ۱۹۰۴ از مایکوپلاسما برای ایجاد یک بیماری همه‌گیر در اسب‌ها استفاده کردند.

۳ سال ۱۹۱۰ از مایکوپلاسما برای ایجاد یک بیماری همه‌گیر در پرندگان استفاده کردند. ۳ سال ۱۹۱۷ فدراسیون جوامع آمریکایی برای زیست‌شناسی تجربی (FASEB) شکل گرفت. ۳ سال ۱۹۱۸ ویروس آنفلوآنزا میلیون‌ها بی خبر را به کام مرگ فرستاد. این یک ویروس آنفلوآنزای اصلاح شده با یک مایکوپلاسمای پرنده بود. ۳ سال ۱۹۲۱ «برتراند راسل» علنا از ضرورت ایجاد آفت سازمان‌یافته علیه جمعیت حمایت می‌کند.

۳ سال ۱۹۳۱ آزمایش‌های مخفیانه‌ای روی آفریقایی‌های آمریکایی تبار انجام و ایدز در گوسفند تست شد. ۳ سال ۱۹۳۵ آموختند که می‌توانند مایکوپلاسمای دخانی را شکل دهند که آلوده‌کننده است.

شواهدی درباره پروژه ویروس ویژه ایالات متحده

کاشف ایدز یا خالق ایدز؟!

- حسین مظفروندی

صورت مخفیانه روی توسعه ایدز فعالیت می‌کرده است و دولت ایالات متحده با پشتیبانی کامل از این بخش به سمت کشتن شهروندان خود حرکت می‌کند. رابرت گالو نمی‌تواند توضیح بدهد چرا نقش وی به عنوان یک مدیر پروژه برای برنامه ویروس ویژه از کتاب زندگینامه او حذف شده است. مقاله رابرت گالو در سال ۱۹۷۱ (هنگامی که اعلام کرد ویروس اچ‌آی‌وی که عامل بیماری ایدز است را شناسایی کرده) است.

۳ در صفحات ۲۷۲ تا ۲۸۶ گزارش پیشرفت شماره ۸ بیان می‌شود ایدز را در میان میمون‌ها پخش کرده‌اند. از سال ۱۹۶۲ ایالات متحده و دکتر رابرت گالو میمون‌ها را با ویروس آلوده و دوباره آنها را در طبیعت آزاد کردند. حتی دانشمندان دولتی نیز گیج شده بودند که هر دو ویروس HIV-I و HIV-II در طول ۱۰۰ سال گذشته به طور ناگهانی ظهور می‌کنند و از ۲ تن از بستگان اجدادی میمون‌ها جدا می‌شوند. در نهایت مطالعاتی ژاپنی در سال ۱۹۹۹ منتشر می‌شود و ثابت می‌کند مبدأ ایدز میمون، به انسان بازمی‌گردد. خلاصهٔ آزمایش‌های میمونی ثابت می‌کند ایدز میمون نیز ساخته دست بشر است. ۳ سال ۱۹۷۲ ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی وارد یک توافق بیولوژیک می‌شوند که نشانه به صدا درآمدن ناقوس مرگ برای جمعیت سیاه است. دو کشور، سال ۱۹۷۲ برای همکاری در زمینه توسعه عوامل بیولوژیک مهاجم به توافق رسیدند.

۳ سال ۱۹۷۳ «گارت نیکلسون» گزارشی از پروژه خود (نقش سطح سولر در فرار از نظارت ایمنی) را منتشر می‌کند. گزارش او توسط ۷ مقاله منتشر شده است. دکتر نیکلسون از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ در رابطه با پروژه ویروس ویژه فعالیت می‌کرده است.

۳ سال ۱۹۷۴ «هنری کریسنیجر» کارهای خود در رابطه با N-SSM-۲۰۰ (طرح ایالات متحده برای نشان دادن افزایش جمعیت) را منتشر می‌کند. این تنها موضوع بحث شده در کنفرانس جهانی جمعیت در بخارست رومانی بوده است. مردانی در سایه تلاش کردند موافقت تمام جهان را برای جمع‌آوری جمعیت آفریقا به دست آورند.

۳ سال ۱۹۷۵ جرالد فورد، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده تفاهنامه امنیتی دفاعی ملی شماره ۳۱۴ را امضا می‌کند. ایالات متحده طرح N-SSM-۲۰۰ را اجرا می‌کند. ۳ سال ۱۹۷۶ ایالات متحده گزارش پیشرفت شماره ۱۲ برنامه ویروس ویژه را ارائه می‌کند. در این گزارش نشان داده می‌شود. ماه متحده به موافقتنامه‌های بین‌المللی مختلفی با شوروی، آلمان، انگلیس، فرانسه، کانادا و ژاپن دست یافته است. طرح کشتن سیاهپوست‌ها با پشتیبانی‌های بین‌المللی همراه بوده است. ماه مارس سال ۱۹۷۶ در جریان پروژه ویروس ویژه، تولید ویروس اچ‌آی‌وی آغاز می‌شود. ماه ژوئن سال ۱۹۷۷ و در جریان این پروژه ۱۵ هزار گالن ویروس عامل بیماری ایدز تولید شده است. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده اجازه می‌دهد این برنامه به صورت مخفیانه برای جمع‌آوری جمعیت سیاهان ادامه پیدا کند.

۳ سال ۱۹۷۷ دکتر رابرت گالو با دانشمندانی مطرح از شوروی دیدار می‌کند تا پیرامون تکثیر ۱۵ هزار گالن ویروس عامل بیماری ایدز بحث کنند. آنها ویروس عامل ایدز را به عنوان مکمل به واکسن آبله متصل و آن را به آفریقا ارسال کردند و به صورت آزمایشی ویروس عامل ایدز را به عنوان مکمل به واکسن هپاتیت B متصل و آن را به منهنٔ ارسال کردند. ۳ بیش از تاریخ در بایگانی دکتر «جان مولونی» می‌توان اطلاعاتی از پروژه ویروس ویژه به دست آورد. مروری بر فایل‌های تحت نام دکتر مولونی سوابق و مدارکی از یکی از بزرگ‌ترین پروژ‌های ویروسی ضد بشر را فاش می‌کند.

دکتر بوید گریوز در قسمتی از صحبت‌های خود اعلام می‌کند از وی خواسته شده پیرامون پروژه MK-NAOMI به ارائه توضیحاتی بپردازد. دکتر گریوز در رابطه با این پروژه چنین بیان می‌کند که MK-NAOMI یک کد برای توسعه بیماری ایدز بوده است. بخش MK به نام ۲ Robert Manaker و Paul Kotin اشاره می‌کند و بخش NA MI مخفف عبارت Negroes are Only Momentary Individuals (سیاهان تنها

افرادی زودگذر هستند) است. در ادامه و به صورت خلاصه نگاهی خواهیم داشت به زندگینامه دکتر بوید گریوز، فردی که با تلاش‌های خود توانست حقیقت پشت پرده بیماری ایدز را کشف کند. دکتر بوید گریوز ۷ جولای سال ۱۹۵۲ میلادی در چالستون اُپرچینیای غربی ا به دنیا آمد. سال ۱۹۵۵ خانواده گریوز به اوهایو نقل مکان کرد. سال ۱۹۹۲ بوید گریوز با کسب مدرک دکترای خود از دانشکده حقوق دانشگاه اوهایو شمالی به عنوان یک وکیل فارغ‌التحصیل شد. چند هفته پیش از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده حقوق و در جریان یک آزمایش معمول نتیجه تست اچ‌آی‌وی بوید گریوز مثبت شد. سپس بوید گریوز به دنبال کسب اطلاعاتی در رابطه با بیماری ایدز، عامل آن و منشأ آن رفت. گریوز سال ۱۹۹۳ و در نتیجه تحقیقات خود توانست به اطلاعاتی دست پیدا کند که نشان می‌داد ویروس اچ‌آی‌وی نتیجه یک پروژه مخفی فدرال است که توسط پنتاگون رهبری می‌شده است و «برنامه ویروس ویژه ایالات متحده» نامیده می‌شود.

دکتر بوید گریوز در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۹۸ میلادی نخستین دادخواست خود را علیه ایالات متحده برای خلق، تولید و گسترش بیماری ایدز تنظیم می‌کند.اول ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی وزارت دادگستری ایالات متحده به گریوز اطلاعاتی می‌دهد و از دفتر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به عنوان متهم اصلی نام می‌برد. در روز انتخابات ۷ نوامبر سال ۲۰۰۰ میلادی دادگاه استیناف حوزه ششم ایالات متحده موضوع بوید گریوز در برابر رئیس‌جمهور ایالات متحده را در سکوت رد می‌کند. ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۱ میلادی دکتر گریوز در برابر رئیس‌جمهور ایالات متحده قرار می‌گیرد و با شنیدن واژه احمق اخراج می‌شود. در تاریخ ۱۱ آوریل سال ۲۰۰۱ میلادی دکتر گریوز به دیوان عالی ایالات متحده درخواست تجدیدنظر می‌دهد، دادگاه تجدیدنظر بر گزار می‌شود و دادگاه بی‌سر و صدا و بدون اعلام نظر و دستورالعمل به کار خود پایان می‌دهد.

سال ۲۰۰۱ میلادی دکتر بوید گریوز نخستین آمریکایی و آفریقایی- آمریکایی می‌شود که تزریق داروی Tetrasil را به عنوان درمان انحصاری ایالات متحده برای بیماری ایدز دریافت می‌کند (داروی Tetrasil که با شماره ثبت اختراع ۵۶۷۶۹۷۷ به ثبت رسیده است، در آزمایش‌های حیوانی مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و موفقیت‌آمیز بودن آن در از بین بردن همه ذرات ویروس اچ‌آی‌وی در محیط آزمایشگاهی و همچنین در نمونه‌های حیوانی به ثبت رسیده است). تقریباً بلافاصله پس از دریافت این درمان، دکتر گریوز به سمت بهبودی می‌رود و او به صورت سر سخرتانه طرفدار درمان بیماری ایدز توسط Tetrasil می‌شود و درخواست می‌کند آزمایش‌های بالینی به صورت فوری انجام شود و این دارو به صورت گسترده در دسترس جهانیان قرار بگیرد. بلافاصله پس از این موضوع، داروی Tetrasil توسط مالک و صاحب امتیاز اختراع آن یعنی دکتر Marvin Antelman بدون هیچ‌گونه توضیح عمومی جمع‌آوری می‌شود. گریوز تجارب و درخواست‌های خود را به کنگره، اداره کل حسابداری، مراکز کنترل بیماری، سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و چندین وزیر بهداشت در سراسر جهان ارسال کرده است.

دکتر بوید گریوز یک مدرس دانشگاه مشهور و نویسنده کتاب‌هایی چون State Origin: The Evidence of the Laboratory Birth World War AIDS: The و of AIDS Third World War ۱۸ ژوئن سال ۲۰۰۹ میلادی در ۵۷ سالگی دیده از جهان فروبست. حال سوالی که پیش می‌آید این است که چرا امروز شاهد حضور داروی تتراسیل که پس از بررسی روی نمونه‌های آزمایشگاهی و حیوانی به مرحله آزمایش انسانی رسیده بود و اسناد و پتنت‌ها نشان می‌دهد در آزمایش انسانی نیز موفق به از بین بردن ذرات ویروس اچ‌آی‌وی شده بود و حتی در پتنت‌های ثبت شده برای این دارو دوز مصرفی آن به دقت مشخص شده است، در بازارهای جهانی نیستیم؟ این سوالی است که دنیای سرمایه‌مداری و مافیای دارو می‌توانند به آن جواب بدهند، چرا که مدارک و شواهد نشان می‌دهد غول‌های داروسازی بزرگی چون فایزر نیز در پروژه ویروس ویژه ایالات متحده دخالت داشته‌اند.

پاورقی ۸
<div><div>متن کتاب «تیره‌ی میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثهٔ ۱۱سپتامبر</div><div><div></div><div><div>دروغ بزرگ</div></div></div></div>
<div><div>اگرچه امکان هر حادثه‌ای غیر از تصادم هواپیسی وجود داشت، اما CNN در خبر بعدی گزارش داد، این حادثه می‌تواند حمله‌ای تروریستی باشد. در گذشته‌ای نه چندان دور، یعنی در ۲۶ فوریه ۱۹۹۳، یک بار برج تجارت جهانی مورد حمله قرار گرفته بود. در آن زمان با انفجار یک وانت استیشن پر از مواد منفجره در پارکینگ زیرزمین ساختمان، ۶ نفر کشته و هزاران نفر دیگر زخمی شدند. حمله سال ۱۹۹۳ به گروه‌های مسلح اسلامی نیویورک به رهبری شیخ عمر عبدالرحمن نسبت داده شد. مفسر خبری CNN، معتقد بود، در صورت عمدی بودن حادثه، کار، احتمالاً کار گروه‌های بنیادگرای اسلامی به رهبری اسامه بن لادن، میلیون‌ن سودی است. بن لادن که از او به عنوان پشتیبانی‌کننده مالی این عملیات یاد می‌کنند در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۹۶ از پناهگاهش در افغانستان، فتوایی مبنی بر یک جهاد مقدس علیه آمریکا و اسرائیل صادر کرده بود. حملاتی که در هفتم اوت ۱۹۹۸ علیه سفارتخانه‌های آمریکادر نایروبی (کنیا) و دارالسلام (تانزانیا) تدارک شده بود را هم به وی و گروه او نسبت می‌دهند لذا در چند سال اخیر، بن لادن به دشمن شماره یک در آمریکا شهرت یافت و پلیس فدرال آمریکا برای سر او ۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرد و شورای امنیت سازمان ملل از دولت طالبان خواست او را جهت محاکمه تسلیم کند. دولت آمریکا نیز همواره در پی محاکمه غیابی بن لادن در دادگاه نیویورک بوده و هست. بعد از حادثه، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، یکی بعد از دیگری پخش زنده و مستقیم حادثه نیویورک را آغاز کردند و بینندگان تلویزیون برخورد دومین هواپیما به برج جنوبی مرکز تجارت جهانی را به طور زنده از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا مشاهده کردند. تصویربرداران شبکه‌های تلویزیونی که تا لحظاتی قبل از ۹:۳۰ صبح، مشغول تهیه گویاترین تصویر از آتش سوزی برج شمالی بودند، یکباره دوربین‌ها را به طرف هواپیمایی متمرکز کردند که با سرعت زیاد به برج جنوبی نزدیک شد. لحظه اصابت این هواپیما به برج دوم را میلیون‌ها نفر به طور زنده از گیرنده‌های خود دیدند. در آن لحظه هیچ کس تردید نکرده که آمریکا در خاک خود مورد حمله تروریست‌ها قرار گرفته است. پس از ۲ حمله هوایی نزدیک به هم، وحشت از حملات تکمیلی زمینی و کماندویی تروریست‌ها باعث شد تمام بندرها، پل‌ها و تونل‌ها بسته اعلام شود. پلیس نیویورک در ساعت ۹:۴۰ طی اطلاعیه‌ای، حمله هوایی به دیگر برج‌ها را هم محتمل دانست و ۲۰ دقیقه بعد یعنی راس ساعت ۱۰ صبح، همزمان با اعلام خبر حمله به پنتاگون، مردم دنیا مستقیماً شاهد فروریختن برج جنوبی بر صفحه‌تلویزیون‌ها بودند. ساعت ۱۰:۲۹ نوبت به سقوط دومین برج (برج شمالی) رسید و منهنٔ در زیر چادری از دود و غبار پنهان شد. احتمال آن می‌رفت که ده‌ها هزار نفر در این حادثه کشته و زخمی شده باشند. بعدها معلوم شد حرارت حاصل از برخورد و انفجار بسیار شدید هواپیماها، سازه‌های فلزی ساختمان را ذوب کرده و ستون‌ها تحمل بار فوقانی را از دست داده‌اند. جورج پاتاکي، فرماندار نیویورک، با بسیج تمام دفاتر ایالتی از تارک ملی خواست به نجات مصدومان حادثه‌بشتاند.</div></div>
<div><div>او گفت: من هیچ فکری جز نجات کسانی که در آن برج گرفتار شده‌اند، ندارم. انگار همه آنها دوستان و بستگان من هستند، برای نجات آنها از هیچ کوششی فروگذار نکنیم. ساعت ۱۱:۰۲ رادیو نیویورک وان خطاب به اهالی نیویورک اطلاعیه‌ای را پخش کرد.</div><div><div></div><div><div>مفاد این اطلاعیه که رودولف جولیانپ، شهردار وقت نیویورک در یک تماس تلفنی آن را برای شنوندگان رادیو خواند، از این قرار بود: از تمام کسانی که خارج منطقه منهنٔ قرار دارند در خواست می‌کنم که از منزل و محل کار خود خارج نشوند. اگر در منطقه تجاری شهر قرار دارید، برای تسهیل در عملیات نجات از منطقه حادثه دیده کناره گرفته به آرامی به سمت شمال شهر حرکت کنید تا ما بتوانیم عملیات نجات را هرچه سریع‌تر و بهتر انجام دهیم. پس از پخش این اطلاعیه، جمعیتی بالغ بر ده‌ها هزار نفر با پای پیاده از روی پل‌ها به خارج از منهنٔ گریختند (پل‌ها قبل‌ا روی اتوبمبل‌ها بسته شده بود) ساعت ۵:۲۰ عصر، برج شماره ۷ مرکز تجارت بین‌المللی هم بی‌آنکه هواپیمایی به آن برخورد کند، فرو ریخت. این برج قبل از حادثه کاملاً تخلیه شده بود. مرکز خدمات امدادی نیویورک، علت ریزش برج هفتم را ناشی از اثر جانبی فروریختن ۲ برج شمالی و جنوبی تشخیص داد. از آنجا که فروریختن دیگر برج‌ها نیز محتمل به نظر می‌رسید و امکان داشت تلفات، لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر شود، این مرکز سفارش حمل ۳۰ هزار کیسه ملخه پلاستیکی برای حمل اجساد احتمالی را داد.</div></div></div></div>
<div><div>ادامه دارد</div></div>